

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»

صورتپرست

ای عمر رفته! باز نیایی به دست من چون مرغ دام دیده پریدی ز شست من
زین پس هر آنچه هست سر و برگ نیستی ست ای دل مخور فریب ازین خیز و جست من
تصویر محو گشته در آئینه خودم اینست مزد دیوده صورتپرست من
شست و شکست آمد و تار نفس گسست جز رشته ضعیف، نمانده به شست من
گردون به مدعای دل من به من ساخت کاری بمن نکرد به غیر از شکست من
با همت بلند به او پنجـــــه میدهم بود این چنین نصیب ز روز الست من
آن دوره یاد باد که بی چشم مست او صدها خُم شراب، نمیکرد مست من
داد ای سپهر دون، که در آئینه پروری آئینه شکسته سپـــــردی بدست من
یک بوسه از لب تو کند دفع صد خمار اینـــــست آرزوی لب میپرست من

از هستیم «اسیر» چه میخواست روزگار

صد بار بهتر آنکه، نمیکرد هست من

(م. نسیم «اسیر» - فرانکفورت، فیروزی 2004 م)